

جستاری
در

ولایت فقیه ایمانی نظری



سرشناسی	میرباقری، سیدمحمد مهدی. ۱۳۴۰ -
عنوان و نام طبع	جستاری در مباحث نظری «ولایت فقیه»
شخصیات	قم: تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۴.
موضوعات	۱۳۰ ص: ۱۹×۹/۵۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۵۴-۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	نمای مختصر
یادداشت	این مدرک در آدرس opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	کتابنامه و صورت زیرنویس.
شماره کتابشناسی ملی	۱۰/۷۴۰۰



پدیدآورنده: سید محمد مهدی میریاقری
قدوین به کو: حبیبی عبدالامی

ناشر: آملدین آملدین
مشخصات نشر: چاپ اول / استان ۱۳۹
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

کتاب سازی: گروه نشر و ترویج عطفه
قیمت: ۵۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۵۴-۳-۷

نشانی پستی: قم، خیابان شهید فاطمی (دور شهر)،
کوچه ۲۱، کوچه ۶، پلاک ۱۴

فروش: مرکز پخش تمدن نوین
۰۲۵۳۷۸۳۱۶۱۶
۰۹۱۰۴۶۴۶۲۱۲

فروش مجازی: NicBook.org
کلیه حقوق مادی و معنوی اثر برای ناشر
محفوظ است.



فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	ضرورت بحث از مبانی «دین‌شناختی»
۱۳	ضرورت بحث از مبانی «معرفت‌شناختی»
۱۴	ضرورت بحث از مبانی «جامعه‌شناختی»
۱۵	ضرورت بحث از مبانی «فلسفه حقوق»
	فصل اول: مبانی دین‌شناختی
۱۹	۱. تعریف دین و دین‌داری
۱۹	۱/۱. نسبت دین با «الوهیت» ولایت و شریعت
۲۲	۱/۲. نسبت دین‌داری با «الوهیت» ولایت و شریعت
۲۸	۲. گستره دین و دین‌داری
۲۸	۲/۱. جریان دین در همه حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان
۲۹	۲/۱. حداکثری بودن دامنه دین
	فصل دوم: مبانی جامعه‌شناختی و ساختار حکومت
۳۳	۱. حقیقی بودن جامعه مبتنی بر «وحدت ترکیبی»
۳۳	۱/۱. ناکارآمدی «اصالت فرد» و «اصالت جامعه» در تحلیل «وحدت» و
۳۲	کثرت «جامعه»
۳۵	۱/۲. پیدایش «جامعه» از «وحدت ترکیبی» افراد جامعه
۳۵	۲. تحلیل پیدایش «جامعه» به عنوان «نظام ولایت اجتماعی»
۳۶	۲/۱. شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی از طریق «همدلی، همفکری و همکاری»
۳۸	۲/۲. «تولی به ولایت» در نظام اجتماعی
۴۲	۲/۳. پیدایش «نظام ولایت تاریخی»
۴۵	۳. کارکرد حکومت در «سرپرستی رشد و تکامل اجتماعی»
۴۵	۳/۱. حداکثری بودن کارکرد حکومت در عصر حاضر

۳/۲. سرپرستی تکامل در همه ابعاد جامعه، کارکرد اصلی حاکمیت

۴۷

فصل سوم: فرایند جریان دین در جامعه و حکومت/۵۱

۱. رسالت «ولی فقیه»، هدایت جامعه به سوی قرب الهی و مقابله با ولایت باطل

۵۴

۱/۱. «قرب الهی» یا «توسعه لذات مادی»، موضوع و هدف سرپرستی رشد

۵۵

و تکامل اجتماعی

۱/۲. رسالت رهبری، مدیریت غلبه حق بر باطل در مقیاس جهانی

۵۶

۲. پایگاه «مشروعیت» و «عقلانیت» در نظام ولایت فقیه

۵۷

۲/۱. صحیح نبودن تعریف «مشروعیت» به «مقبولیت»

۵۷

۲/۱. تعریف پایگاه حقانیت به مشیت و اعطای خداوند متعال

۵۸

۳/۳. پیدایش نظام حقوق بر محور ولایت ائمه معصومین علیهم السلام

۶۰

۲/۲. اصل ولایت، تمسک به فقاقت، تقید به عدالت» شروط حقانیت

۶۲

ولی اجتماعی

۲/۵. معقولیت عام ولایت فقیه به تبع حقانیت و مشروعیت آن

۶۴

۳. ضرورت تحول و تکامل در برصه «ساختارهای اجتماعی» و «علوم و معارف

۶۷

دینی» در نظام ولایت فقیه

۶۷

۳/۱. ضرورت تکامل نظام اجتماعی مبتنی بر متناسب با نظام ولایت فقیه

۶۸

۳/۲. ضرورت بازسازی ساختارهای اجتماعی بر محور ولایت فقیه

۶۹

فصل چهارم: نقد نظریه وکالت حکم

۷۴

تقریر نظریه

۷۴

۱. دسته‌بندی فلسفه به فلسفه عملی و فلسفه نظری

۷۴

۲. بازگشت معنای حکومت به حکمت و علم تصدیقی، و نه حکمت و ولایت

۷۵

۳. نظریه‌های سنتی و مدرن در مقوله سیاست

۷۶

۴. پیدایش و شکل‌گیری جامعه و حکومت مبتنی بر نیازهای طبیعی انسان

۷۷

۴/۱. حکومت، نتیجه زیست طبیعی انسان

۷۸

۴/۲. حکومت، حق طبیعی و ذاق انسان‌ها

۷۸

۴/۳. وکالت هیئت حاکمه از سوی مردم

۸۰

نقد و بررسی نظریه

۸۰

۱. نقد روش‌شناسی نظریه

۸۰

۲. نقد مبانی معرفت‌شناختی

۸۱

۲/۱. تکیه صرف به دانش‌های برآمده از عقل، عامل جدایی از دین

۸۲

۲/۲. انکار حاکمیت انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام، نتیجه تعریف پایگاه

- ۸۳ صحت مستقل از وحی در علم
- ۸۴ ۲/۳ حجت عقل در صورت تبعیت از نبی اکرم صلی الله علیه و آله
- ۸۶ ۲/۳/۱ علم و دانش، طریق سرپرستی و ولایت بر جامعه
- ۸۷ ۲/۳/۲ وجود مرتبه‌ای از فهم به صورت تبعی و بازگشت حجت آن به فاعلیت حضرت حق
- ۸۸ ۲/۳/۳ جهت‌داری علم و دانش به حق و باطل
- ۸۹ ۲/۳/۴ تفاوت مفهوم «حکمت» در ادبیات فلسفه و ادبیات وحی
- ۹۰ ۲/۳/۵ تفاوت روش فیلسوفان با روش انبیا علیهم السلام در احتجاج و تفاهم
- ۹۱ ۲/۴ نقد نهضت هسان‌انگاری عقل و نقل
- ۹۲ ۲/۴/۱ مبانی «کاشفیت»، مانع تقسیم علم به دینی و غیردینی
- ۹۳ ۲/۴/۲ ضرورت تبعیت عقلانیت از امام علیه السلام
- ۹۴ ۲/۴/۳ تأثیر نگاه ایمان فیلسوف در فلسفه
- ۹۵ ۲/۴/۴ ضرورت تکامل منطق تفقه دینی برای دستیابی به «حکمت، عرفان و فقه» در مقام حکمت
- ۹۶ ۳/۱ نقد مبانی جامعه‌شناختی
- ۹۷ ۳/۱ ضرورت ملاحظه «اراد» در حاکمیت و تحلیل قدرت و آزادی مبتنی بر آن
- ۹۸ ۳/۲ بازگشت حاکمیت به اعمال قدرت، مبتنی بر نظام اراده‌ها
- ۹۹ ۳/۳ ولایت حق یا باطل، پایگاه قدرت اجتماعی
- ۱۰۰ ۳/۴ توسعه حقیقی آزادی در گرو توسعه عبودیت
- ۱۰۱ ۳/۵ رویکرد مادی صاحب نظریه در تحلیل پیدایش جامعه و تاریخ
- ۱۰۳ ۳/۶ تنزل کارکرد حکومت در این نظریه به منظور انقطاع آن از حقیقت
- ۱۰۴ ۴/۱ نقد مبانی «دین‌شناختی» و «فلسفه حقوق»
- ۱۰۵ ۴/۱ نفی ولایت اجتماعی امام معصوم علیه السلام طبق این مبنا
- ۱۰۶ ۴/۲ نسبت حق مالکیت با اختیار و عبودیت
- ۱۰۷ ۴/۲/۱ ظرفیت تقرب و پرستش، پایگاه حق مخلوقات
- ۱۰۸ ۴/۲/۲ هماهنگی ظرفیت‌های قرب مخلوقات و پدید آمدن نظام حقوق
- ۴/۲/۳ استیفای حق مادون از طریق تبعیت از مافوق، لازمه پذیرش نظام هماهنگ حقوق
- ۴/۲/۴ محور بودن نبی اکرم صلی الله علیه و آله در نظام مخلوقات و استیفای حقوق
- ۱۰۹ نظام مخلوقات در گرو استیفای حق ولایت ایشان
- کتابنامه/۱۱۰
- نمایه/۱۱۳

پیشگفتار

متمن حاضر تقریر درس خارج فقه حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری (رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم) در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ با موضوع «ولایت فقیه» است که توسط نویسنده این سطور، تقریر و نگارش یافته است. این تقریر، در قالب چهار فصل و در دو محور کلی تنظیم شده است که عبارتند از:

۱. سیر اثباتی مبانی کلامی و «جامعه شناختی» ولایت فقیه که سه فصل اول را در بر می گیرد.

۲. نقد و بررسی نظریه «وکالت حکیم»

بر این اساس پس از مقدمه ای درباره «ضرورت پرداختن به مبانی ولایت فقیه»، عنوانین چهار فصل این نوشتار عبارتند از:
فصل اول مبانی کلامی ولایت فقیه؛

فصل دوم مبانی جامعه شناختی و ساختار حکومت

فصل سوم کیفیت جریان دین در حکومت و جامعه؛

فصل چهارم نقد و بررسی نظریه وکالت حکیم.

اگر نظام «ولایت فقیه» را ساختار حضور «دین» در «جامعه و حکومت» بدانیم، تبیین مبانی «دین شناختی» و «جامعه شناختی» و «حکومت» ضرورت پیدا می کند. این موضوع، فصل اول و دوم کتاب را به خود اختصاص داده است. در فصل سوم مبتنی بر دو فصل پیشین، کیفیت جریان «دین» در جامعه و حکومت تحلیل می گردد؛ به سخن دیگر اگر پذیرش ولایت فقیه

یک حکم شرعی تلقی شود، پیش فرض های کلامی در ناحیه «حکم» و پیش فرض های جامعه شناختی در ناحیه «موضوع» حکم حضور دارند؛ یعنی پرداختن به موضوعات دسته دوم، از سنخ «موضوع شناسی» است. پس از ترسیم و اثبات مبانی ولایت فقیه، در فصل چهارم به نقد و بررسی نظریه «وکالت حکیم» پرداخته می شود؛ مهدی حائری یزدی در کتاب حکمت و حکومت بر پایه مبانی خاصی از «معرفت شناسی»، «جامعه شناسی» و «فلسفه حقوق» سعی در نفی ولایت فقیه و اثبات نظریه وکالت حکیم دارد. به اعتقاد او پیدایش و تکامل جامعه و مناسبات آن امری بشی و متنی بر تجارب و آموزه های عقل عملی انسان است؛ بنابراین دانش ادراک جامعه (سیاست مدن) از شاخه های عقل عملی به شمار می آید؛ در این صورت تنها حکیم، فیلسوف عقل عملی شایستگی حاکمیت و اداره جامعه را دارد؛ همچنین، ذاتی و طبیعی زیست بشری موجب انتخاب هیئت حاکمه توسط مردم از طایفه وکالت می گردد؛ در نتیجه نظریه وکالت حکیم جایگزین ولایت فقیه نخواهد شد. تقریر نظریه، استخراج مبانی و پیش فرض های نظریه و نقد و نقض آن در این فصل ارائه شده است.

یحیی عبدالهی

مقدمه

ولایت «عنصر اصلی منظومه عقیدتی شیعه است که دیگر مؤلفه‌های معرف دینی حول آن معنا پیدا می‌کند؛ «لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۱. «نظام ولایت فقیه» به عنوان نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت، دارای جایگاه خطیری است. در رسالت حفظ کیان شیعه در صحنه اجتماعی را بر عهده دارد. ولایت فقیه، عنوان محوری‌ترین عنصر نظام دینی اسلام در ساحت اجتماعی هر دوره بوده و همه شبهه‌های دشمنان قرار گرفته که با گذشت زمان و تکامل و تعالی که رامت در تقابل با بیگانگان و حفظ خط اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در عرصه داخلی و صحنه بین‌المللی، روزه‌به‌روز بر فشار این حملات افزوده شده است. بین تقابل و نزاع هرچند در عرصه سیاسی ظهور و بروز بیش‌تری دارد، ولی ریشه آن را می‌توان در مبانی عمیق ایدئولوژیک جستجو کرد.

به‌طور کلی معرفت دینی و عقلانیت شیعی در طول تاریخ، سه مرحله تکاملی داشته است؛ چراکه عالمان دینی و فقهای عظام، متناسب با نیازهای هر عصر، درصدد پاسخ‌گویی بر اساس منابع دینی بوده‌اند و شان‌ها را در تاریخ دین را به‌منصب ظهور گذاشته‌اند؛ بنابراین میان معرفت دینی با شرایط و نیازمندی‌های عصری، رابطه‌ای فعال وجود دارد.^۲ براین اساس

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. البته این امر به معنای حاکمیت «نیاز» بر «معرفت دینی» نیست. ارائه طرح کلی عوامل تأثیرگذار و میزان سهم تأثیر هر یک در تکامل معرفت دینی، نیازمند مجالی دیگر است.

انتظار وجود نظریه ولایت فقیه به صورت منقح و مدون در عصری که شیعه در عسرت و قلت به سر می برده و سعی در حفظ موجودیت خود از طریق تقیه و انزوا از سلاطین جور داشته است، نامعقول به نظر می رسد. ولی در دوره کنونی با ظهور انقلاب اسلامی ایران و بنیان گذاری نظام ولایت فقیه توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، شرایط برای تحقق این اصل اصیل در معارف دینی مهیا شده است؛ از این رو ضرورت پرداختن به لایه های عمیق تر این بحث، بیش از پیش احساس می شود.

آنچه در پرداختن به بحث ولایت فقیه رایج و مرسوم است، اثبات آن از منظر فقهی است؛ ولی از نظر منطقی پیش از ورود مستقیم به نقل باید مبانی و پیش فرض‌های کلامی را تبیین کرد؛ چراکه این مبانی و پیش فرض‌ها در کیفیت استنباط این نقلیه فراوان دارند؛ به بیان دیگر بحث ولایت فقیه ابتدا وام‌دار علم کلام و تنکی اصول اعتقادی است که مقدم بر فقه است؛ ضمن اینکه اساساً مبانی علم نقلیه نیز در علم کلام بحث می‌شود؛ هرچند امروزه به این دو علم به صورت مستقل و جداگانه پرداخته می‌شود ولی به نظر می‌رسد نمی‌توان رابطه آن‌ها را از منظر فقهی شامل‌تر نادیده انگاشت؛ از این رو در بررسی موضوع ولایت فقیه دو یکپارچه فقهی و کلامی قابل تصور است که می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؛ و برعکس به روش مجرد نقلی بدون تنقیح مبانی کلامی، ناقص خواهد ماند.

بحث ولایت فقیه نه تنها از مبانی کلامی و دین‌شناختی متأخر است، بلکه مبانی «معرفت‌شناختی»، «جامعه‌شناختی» و «فلسفه حقوق» از جمله پایه‌هایی هستند که بحث ولایت فقیه بر آن‌ها استوار است. شروع بحث از این مبانی، تأثیر بسزایی در موضع‌گیری نسبت به موضوعات و مسائل این بحث دارد و زاویه دید محقق و نظریه‌پرداز را به کلی دگرگون می‌کند؛ همچنین این مبانی در کیفیت فهم و تفسیر روایات مربوط به این بحث نقشی اساسی

دارد؛ به سخن دیگر اتخاذ مواضع متفاوت در این مبانی، فهم‌های متفاوتی از روایات را پدید می‌آورد؛ بنابراین پیش از پرداختن به بحث فقهی ولایت فقیه، تنقیح تمامی این مبانی ضروری است.

ضرورت بحث از مبانی «دین‌شناختی»

بحث از ولایت فقیه باید از مبانی دین‌شناختی آغاز گردد. نسبت عناوین «جامعه»، «حکومت» و دامنه عملکرد هریک از آن‌ها با «دین»، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که باید در مبانی بحث ولایت فقیه توضیح داده شود. اگر این مسائل از منظر دینی تحلیل نشود، مبتنی بر آراء و اندیشه‌های دیگر، برگرفته از عقل خودبنیاد و تجربه بشری تحلیل خواهد شد؛ آنگاه برقراری ارتباط آن با دین غیرممکن شده و استناد آن به روایات نیز مشکلی را حل نمی‌کند؛ چرا که ابتدا دامنه حضور دین، مقید و محدود شده است. پیش از پرداختن به این مسائل نیز باید تصویر روشنی از چیستی دین و سپس دامنه و گستره آن به دست آورد. تعریف دین و به تبع آن تعیین دامنه حضور دین در عرصه حیات فردی و اجتماعی، سر، نقش اصلی را در پاسخ به پرسش نسبت دین با جامعه و حکومت ایفا می‌کند.

ضرورت بحث از مبانی «معرفت‌شناختی»

یکی از مبانی لازم برای ورود به بحث ولایت فقیه، مبانی معرفت‌شناختی است. حاکمیت و اداره جامعه نیازمند تخصص و دانش مخصوص است که این تخصص و دانش مخصوصی به عنوان یک معرفت، از چند جهت نیازمند مباحث معرفت‌شناختی است که از آن جمله بحث نسبت آن با عقل و وحی است؛ به عنوان مثال: اگر علم و دانش کثورداری، بر پایه علوم عقلی و تجربی و مستقل از وحی تعریف شود و مبنای اداره حکومت قرارگیرد، آنگاه منطقی‌اً باید حکومت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز مبتنی بر آن تحلیل شود؛

در این صورت حوزه نبوت از حوزه حاکمیت جدا و مستقل می‌شود و این دو مقوله، ارتباطی منطقی و علمی با یکدیگر پیدا نمی‌کنند؛ در نتیجه تصرفات حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ناشی از شأن حاکم بودن ایشان تصور خواهد شد، نه شأن نبوت ایشان. بر این اساس مقام نبوت حضرت صلی الله علیه و آله نیز به دانش‌های عقلی و تجربی مقید می‌شود و تعریف جدیدی از نبوت پدید می‌آید! در مقابل اگر معیار صحت و حقانیت همه دانش‌ها به تبعیت از وحی بازگردد، تحلیل‌ها متفاوت می‌شود؛ بنابراین باید پیش از ورود به اصل بحث، مبانی معرفت‌شناختی آن به خوبی تبیین و تنقیح شود.

ضرورت بحث از مبانی «جامعه‌شناختی»

از دیگر مبانی لازم در تنقیح بحث ولایت فقیه، بحث از چیستی «جامعه» و «حکومت» است. تبیین جامعه و حکومت در تعیین حاکم و نوع حکومت، تأثیر مستقیم دارد؛ یعنی ابتدا باید توضیح داد که «حکومت» چیست؛ تا بتوان گفت که «حاکم» کیست؟ میان این دو سؤال رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

چیستی جامعه از چند جهت نیازمند بررسی است؛ کیفیت پیدایش جامعه، اعتباری بودن یا حقیقی بودن وحدت آن، ارکان و مقومات آن، مکانیزم رشد و توسعه جامعه، جهت‌داری حق و باطل جامعه و ... از جمله محورهای هستند که در بحث مبانی جامعه‌شناختی جای می‌گیرند. همچنین در تبیین حکومت، به عنوان نهاد مدیریت جامعه، باید به این پرسش پاسخ داد که اساساً نقش و رسالت حکومت چیست؟ آیا مأموریت حکومت، حداقلی و منحصر در ایجاد نظم، امنیت و رفاه عمومی است یا اینکه حداکثری بوده، سرپرستی همه‌جانبه جامعه را در شئون مختلف برعهده دارد؟ با روشن شدن دامنه عملکرد حکومت، می‌توان نسبت آن را با

دین مشخص کرد و در مورد حکومت دینی سخن گفت.

ضرورت بحث از مبانی «فلسفه حقوق»

تعریف پایگاه «حقانیت» و «مشروعیت» یکی از ارکان نظریه پردازی در تحال حاکمیت و تبیین نظام سیاسی است. یافتن آن که حق حاکمیت متعالی به اوست و شناخت منشأ و پایه استواری این حق را می توان مهم ترین مسائل این قلمرو به حساب آورد. آیا انسان ها دارای حقوق ذاتی و طبیعی هستند که حتی خداوند متعال نیز باید به آن ها پایبند باشد؟ آیا همین حقوق ذاتی است که اساس تشکیل جامعه و حکومت می شود؟! یا اینکه حق محوری مخلوقات پرورش و عبودیت است و این حق باید محور تشکیل نظام های اجتماعی باشد؟! اگر حاکمیت برخاسته از حقوق ذاتی انسان ها تصور شود- که قابل جعل و یر دفع نیست- فقه نیز می بایست آن را به رسمیت شمرده و حق حاکمیت را به مردم- اگنلار که...